

شیخ فضل الله نوری

شیخ فضل الله نوری فرزند ملا عباس کجوری، در سال ۱۲۵۹ ق. در روستای «لاشک» مازندران دیده به جهان گشود. او پس از گذراندن دوران کودکی، به تحصیل علوم اسلامی روی آورد و پس از اتمام درس سطح، نزد اساتید بزرگ حوزه نجف، چون میرزا حبیب الله رشتی و شیخ راضی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و پس از مدتی در درس میرزا محمد حسن شیرازی شرکت نمود.

او که از بهترین شاگردان درس میرزای رشتی و میرزای شیرازی بود، در سال ۱۳۰۳ ق. به سبب موقعیت حساس سیاسی اجتماعی ایران، به توصیه میرزای شیرازی و برای سروسامان دادن به اوضاع ایران، روانه تهران شد. شیخ فضل الله نوری در نهضت تنباکو و قضایای مشروطه، نقش فعالی داشت. فراست و تیزبینی او به گونه ای بود که کمتر کسی را می توان همانند او دانست. او در پشت ظاهر فریبنده مشروطه، مرگ اسلام و آموزه های اسلامی را می دید. آیت الله بهجت رحمته می فرمود: «مرحوم شیخ فضل الله نوری که از مخالفین مشروطه بود، از پیش خبر می داد که کشف حجاب از لوازم مشروطه است»، «شیخ فضل الله می فرمود: مشروطه، مقدمه کشف حجاب است و کشف حجاب از لوازم مشروطیت است، همچنین مشروطه مقدمه جلوگیری و مبارزه با روحانیون است. ولی طرف داران مشروطه می گفتند: آیا می شود مجلس شورا و مشروطه که خود آخوندها تأسیس کرده اند، آخوندها را از بین ببرند؟! ولی چنان شد که مرحوم شیخ فضل الله نوری می فرمود».

مشروطه خواهان پس از برقراری حکومت، به تسویه حساب و مبارزه با مخالفان خود پرداختند؛ از جمله تصمیم گرفتند شیخ فضل الله را به دلیل مخالفت هایی که با مشروطه داشت، از بین ببرند. سعدالدوله به شیخ پیام داد که با وزیر مختار روس و انگلیس گفت و گو کرده، برای شما جای مناسبی در سفارتخانه تهیه کرده ام تا از خطر محفوظ باشید. یاران شیخ فضل الله خوشحال شدند، اما شیخ بدون عکس العمل در مقابل این پیام «**لا حول و لا قوة الا بالله**» می گفت. پیشنهاد شد که اجازه بدهید پرچم هلند را که کشور بی طرفی است برپا کنیم تا در امان باشید. شیخ با تبسمی استهزاگونه فرمودند: «باید پرچم ما را روی سفارتخانه بیگانه نصب کنند.

چطور ممکن است که صاحب شریعت به من
 که از مبلغان احکام هستم اجازه فرماید پناهنده
 به خارج از شریعت شوم».

پایداری بی همتای شیخ، او را تا پای دار کشاند. در
 پای دار نیز از پایداری دست برنداشت، تا جایی که پیش از
 انداختن ریسمان دار به گردش، یکی از مشروطه خواهان به او پیام داد
 که شما مشروطه را امضا کنید و خود را از مرگ نجات دهید! ولی شیخ گفت:
 «من دیشب پیامبر ﷺ را در خواب دیدم که به من فرمود: فردا شب مهمان من
 هستی و من چنین امضایی نخواهم کرد».

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرمود: «بعد از شهادت مرحوم شیخ فضل الله
 نوری، مشروطه خواهان یک هفته یا ده روز جشن گرفتند که رئیس مستبد را
 کشتند! ولی بعد از آن یک هفته، چنان ذلیل و خوار شدند و شکست خوردند که
 تعداد علمای مشروطه خواه به بیست، سی نفر تنزل کرد».

مزار مطهر شیخ شهید، شیخ فضل الله نوری، در یکی از اتاق های صحن مطهر
 حرم حضرت معصومه علیها السلام، زیارتگاه دوست داران و شیفتگان آن اسوه پایداری
 است. حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه می فرمود: «آقایی نقل کرده است: لب ایوان
 مقبره، در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام نشسته بودم، شنیدم از توی مقبره
 مرحوم شیخ فضل الله نوری رحمته الله علیه صدای قرآن می آید. به طرف مقبره رفتم، دیدم
 کسی نیست. بازگشتم، تکرار شد. خلاصه یقین کردم که صدای قرآن از خود
 صاحب قبر است».